

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 3, Spring 2020, 301-322  
Doi: 10.30465/crtls.2020.5303

## Review of *The Oxford Handbook of Nietzsche*

Maryam Arab\*

### Abstract

Nietzsche, as one of the most popular philosophers and elite thinkers that formed modern thought, has been studied from many dimensions. There are many books about him, and many scholars are still doing research on his life, works, and thoughts. The plurality of the works and the differences in the representation of Nietzsche's image has led to doubt and confusion in the determination of Nietzsche's position and understanding of his thought. The present study aims at introducing and evaluating a major, recent, and important work in Nietzsche field, called "The Oxford Handbook of Nietzsche". This scientific and standard work has thirty-two essays from world-renowned scholars. Essays have been organized in six discrete sections such as biography, historical relations, principal works and fundamental issues such as values, epistemology and metaphysics, and developments of will to power. These essays contain striking and precise points that can influence our understanding of Nietzsche's philosophy and provide us with a broad knowledge of the main elements of his philosophy, such as superman, will to power, and eternal recurrence. Therefore this paper, after an overview of the book and description of its general features, summarizes the content of each essay to arouse the audience's interest in pursuing a thorough study.

**Keywords:** Nietzsche, Philosophy, Oxford, Superman, Will to Power.

---

\* PhD of Philosophy, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, arabphilo@yahoo.com

Date received: 2019-11-18, Date of acceptance: 2020-04-06

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره سوم، خرداد ۱۳۹۹، ۳۰۳-۳۲۲

## بررسی کتاب *The Oxford Handbook of Nietzsche*

### راه‌نمای آکسفورد نیچه

مریم عرب\*

#### چکیده

نیچه به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین فلاسفه که از جایگاه نخبگان و اندیشه‌ورزان مؤثر در شکل‌دادن به اندیشه کنونی جهان برخوردار بوده است از ابعاد مختلفی مورد پژوهش قرار گرفته است. آثار بی‌شماری در زمینه زندگی، آثار، و اندیشه او نگاشته شده و هنوز پژوهندگان بسیاری به دنبال کندوکاو در عمق تفکر اویند. تعدد آثار و تفاوت آن‌ها در ارائه تصویر نیچه باعث بروز تردید و سردرگمی در تعیین جایگاه نیچه و درک اندیشه او شده است. پژوهش حاضر به‌منظور معرفی و ارزیابی آثار علمی و استاندارد در قلمرو نیچه به اثری بزرگ، مهم، و اخیر به‌نام *راه‌نمای آکسفورد نیچه* می‌پردازد. این کتاب دارای ۳۲ مقاله از پژوهش‌گران مشهور جهانی است که در محورهای مختلفی سازمان یافته‌اند. این مقالات حاوی نکاتی بدیع و دقیق است که می‌تواند بر درک ما از فلسفه نیچه تأثیر داشته باشد و آشنایی گسترده‌ای با عناصر اصلی فلسفه او چون ابرانسان، اراده قدرت، و بازگشت جاودانه را نیز فراهم آورد. از این‌رو، خلاصه محتوای هر مقاله نیز آمده است تا ضمن آشنایی شوق به پی‌گیری مطلب و مطالعه کامل را در مخاطبان پدید آورد.

**کلیدواژه‌ها:** نیچه، فلسفه، آکسفورد، ابرانسان، اراده قدرت.

---

\* دکترای فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، arabphilosophy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

فردریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف، نویسنده، و شاعر آلمانی قرن نوزدهم و یکی از محبوب‌ترین فیلسوفان است که آثار و اندیشه او فراتر از مرزهای سرزمینی‌اش موردقبال قرار گرفته و به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است. تاکنون آثار زیادی در حیطه اندیشه او و شرح‌ها و تفسیرهای فراوانی بر آثارش نگاشته شده است و هر ساله پژوهش‌های متعددی در این حیطه انجام می‌شود. تصاویری که از نیچه ارائه می‌شود بسیار متفاوت‌اند و گاهی یک‌دیگر را نفی می‌کنند. موضوع تفکر، مشخصه‌ها، و تعلق او به مکاتب فکری و فلسفی با تنوع برداشت مواجه بوده است و درمورد نقش و جایگاه او در حوزه تفکر، میزان تأثیر او در اندیشه بعد از خود، و زمینه‌های پیدایش اندیشه او نیز مطالب زیادی وجود دارد که باعث بروز تردید و سردرگمی در درک اندیشه او شده است. برای بسیاری، باوجود کثرت آثار مربوط به نیچه، دستیابی به اصل سخن او و به‌دست‌آوردن فهمی دقیق از اندیشه او هم‌چنان دشوار است.

در پی جویی دلایل این‌همه اختلاف‌نظر به عوامل متعددی می‌رسیم که نوع فلسفه‌ورزی، شیوه نگارش، و قالب آثار نیچه از آن جمله‌اند. عوام‌زدگی و سطحی‌نگری ناشی از شهرت بیش‌ازحد نیچه، سوءاستفاده نظریه‌پردازان سیاسی از افکار او، و سایه‌انداختن تفاسیر فیلسوفان بزرگ بر اندیشه او نیز در به‌وجودآمدن این وضعیت مؤثر بوده‌اند.

یکی از گام‌های مؤثر در جهت رفع چندگانگی تصاویر نیچه و غلبه بر تفسیرهای ناموجه انجام پژوهش‌های آکادمیک نظام‌مند، روش‌مند، و هدف‌مند است. پژوهش‌هایی مستند و مستدل که بنای اصلی آن‌ها بر آثار اصلی این فیلسوف باشد و پژوهش‌گر از دانش تخصصی برای ورود به این حوزه برخوردار باشد. از معدود آثاری که به‌روش آکادمیک و با اهداف و مقاصد علمی نگاشته شده است و قابلیت شفافیت‌بخشی به اندیشه نیچه و تبیین موضوعات مرتبط با او را دارد و با این ملاک‌ها می‌توان آن را دستاوردی بزرگ دانست *راه‌نمای آکسفورد نیچه* است. این کتاب که در سال ۲۰۱۳ به‌زبان انگلیسی چاپ شده است در واقع مجموعه‌ای از مقالات متعدد معتبر در حوزه نیچه است. این مقالات توسط تیمی بین‌المللی از فیلسوفان و پژوهش‌گران معاصر نوشته شده است که اغلب به زبان آلمانی تسلط داشته‌اند و از آثار او در زبان اصلی آن بهره گرفته‌اند. علاوه‌براین، نویسندگان این مقالات سابقه پژوهش‌های گسترده در حوزه نیچه را دارند و آثار تخصصی مستقلی در زمینه اندیشه او منتشر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

راهنمای آکسفورد نیچه شامل موضوعات گسترده‌ای است و می‌تواند طیف وسیعی از مخاطبان را به خود جذب کند: چه آنان که علاقه‌مند به زندگی شخصی، روابط خانوادگی، دوستان نیچه، و موضوعاتی مشابه آن‌ها هستند و چه کسانی که در پی مسائلی جدی‌تر و درکی دقیق از آثار، عناصر اصلی، و ابعاد مختلف فلسفه خاص اویند؛ از آن‌رو که علاوه‌بر مباحث عمومی که در برخی مقالات به آن‌ها پرداخته شده است در برخی دیگر دیدگاه‌های نیچه در حوزه متافیزیک، اخلاق، شناخت‌شناسی، و غیره مطرح شده است و پژوهش‌گران این اثر به‌دنبال عمق‌بخشیدن به فهم ما از نیچه و بررسی اندیشه او بر مبنای مباحث نوین در حوزه‌های مختلف بوده‌اند.

با وجود این‌که این اثر در پژوهش‌های مرتبط با نیچه در جهان مورد توجه قرار گرفته و موارد متعددی از ارزیابی خود اثر و نیز استناد به آن مشهود است، در ایران ناشناخته مانده و به‌ندرت مورد استفاده بوده است. از این‌رو، نوشته حاضر با هدف معرفی و بررسی کتاب ابتدا به ویژگی‌های کلی آن از نظر صوری و محتوایی می‌پردازد و در ادامه، ضمن ذکر مشخصات و مضمون هر مقاله، آن را بر اساس دیدگاه‌های مطرح‌شده و نتایج به‌دست‌آمده ارزیابی می‌کند.

## ۲. معرفی کلی راهنمای آکسفورد نیچه

کتاب *راهنمای آکسفورد نیچه* دارای ۳۲ مقاله از ۳۴ نویسنده است که در هفت محور کلی تقسیم‌بندی شده و در شش بخش جداگانه تنظیم شده‌اند. مقدمه‌ای روشن و مفید و نیز دو فهرست موضوعی و اسامی در پایان دارد. این مجموعه در سال ۲۰۱۳ توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در ۷۹۲ صفحه به‌چاپ رسیده و علاوه‌بر چاپ کاغذی در قالب الکترونیک نیز عرضه شده است.<sup>۲</sup> ویراستاران این اثر جان ریچاردسون (John Richardson) و کن گمس (Ken Gemes) هستند. ریچاردسون فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد و استاد فلسفه دانشگاه نیویورک است که عمدتاً بر روی فلسفه‌های قاره‌ای قرن نوزدهم و بیستم، به‌ویژه فلسفه نیچه و هایدگر، کار می‌کند. او چندین اثر اختصاصی و تعداد زیادی مقاله و کار مشترک در زمینه نیچه دارد که از آثار تخصصی او در این زمینه می‌توان به *نظام نیچه‌ای (Nietzsche's System)* و *نوداروینسم نیچه (Nietzsche's New Darwinism)* اشاره کرد. او هم‌چنین پژوهش‌گر و ویراستار چندین مجموعه‌مقاله در حوزه نیچه است. کن گمس نیز استاد فلسفه دانشگاه لندن و از علاقه‌مندان و پژوهش‌گران مطرح حوزه نیچه

است. او آثار متعددی درباره اندیشه نیچه دارد و نقدهای فراوانی نیز بر آثار مربوط به نیچه نگاشته است.

راه‌نمای آکسفورد نیچه حاصل پژوهش‌های نو، دقیق، و منظم در حوزه نیچه است و گامی مفید در جهت پوشش کامل موضوعات مربوط به نیچه در یک کتاب به‌شمار می‌آید. این کتاب یکی از معدود آثاری است که به‌نحو جامع، دقیق، علمی، و مستدل به گستره وسیعی از موضوعات می‌پردازد و مسائل مهم و اساسی را بررسی می‌کند. از زندگی و موضوعات شخصی گرفته تا آثار، ارتباط نیچه با فیلسوفان دیگر، و محورهای اساسی فلسفه او چون روان‌شناسی، اخلاق، متافیزیک، و شناخت‌شناسی و نیز عناصر اصلی فلسفه او چون ارزش‌ها، ابرانسان، هنر، و اراده قدرت هرکدام در یک یا چند مقاله جداگانه بررسی شده‌اند. علاوه‌براین، این کتاب شامل مباحث نو در حوزه فلسفه و رویکردهای نوین به اندیشه نیچه نیز می‌شود و به پی‌گیری این مباحث در فلسفه او می‌پردازد.

از ویژگی‌های این اثر خارج‌شدن از کلی‌گویی و ایده‌پردازی در حوزه نیچه و دوری از ابهام و پراکندگی است. بخش زیادی از مطالب این کتاب حاصل روش‌هایی چون مقایسه، تقابل برقرارکردن، تفسیر دقیق متون، و پژوهش موضوعی در آثار است که آن را به اثری رشدیافته و دقیق مبدل می‌کند که از منظر آکادمیک و علمی دارای اعتبار است و رضایت‌بخش می‌نماید. شیوه نگارش این اثر نیز آسان و قابل‌فهم است و درعین‌حال که مبانی باورپذیر و استانداردهای بالا آن را در رده کارهای تخصصی قرار می‌دهد، متن‌ها حتی برای دانشجویان مقاطع پایین و کسانی که در ابتدای راه آشنایی با عناصر بنیادی فلسفه نیچه قرار دارند نیز قابل‌استفاده باشد.

از دیگر مزایای این اثر زبان آن است؛ تعداد اندکی از علاقه‌مندان و پژوهش‌گران نیچه در ایران به زبان آلمانی تسلط دارند و برای عده زیادی مراجعه به آثار او در زبان اصلی ممکن نیست. درمقابل، طیف گسترده‌تری امکان استفاده از منابع انگلیسی را دارند؛ بنابراین، اثری غنی به‌زبان انگلیسی که نتیجه پژوهش مستقیم در آثار خود نیچه است می‌تواند آشنایی دقیق‌تری با اندیشه نیچه را به‌بار آورد.

محورهای این کتاب شامل زندگی، پیوندهای تاریخی، آثار اصلی، ارزش‌ها، شناخت‌شناسی، متافیزیک، و اراده قدرت است که در ادامه مقالات هر محور معرفی و محتوای آن‌ها شرح داده می‌شود.

### ۳. زندگی نامه

محور اول شامل سه مقاله است که اطلاعاتی در مورد زندگی نیچه ارائه می‌دهد و قابلیت تأثیر در درک و تفسیر ما از فلسفه نیچه را نیز دارد. این اطلاعات احتمالاً برای پژوهش‌گرانی که بر بخش‌های دیگر متمرکز بوده‌اند جدید است. «نیچه و خانواده» (Nietzsche and Family) نوشته گراهام پارکز (Graham Parkes) به‌نحو خاص به والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های نیچه می‌پردازد. او با استفاده از منابع آلمانی و انگلیسی در این زمینه جزئیات قابل ملاحظه‌ای را آشکار می‌کند و اطلاعات بسیاری درباره ازدواج والدین او و مرگ پدرش ارائه می‌دهد. بخش زیادی از مقاله به نسل‌های پیشین نیچه می‌پردازد و اشاراتی کوتاه به رابطه مشکل‌دار نیچه با خواهرش نیز در پایان مقاله آمده است. مقاله دوم «نیچه و زنان» (Nietzsche and Women) نوشته جولیان یانگ (Julian Young) به ارتباط نیچه با زنان می‌پردازد. این مقاله از رأی تحسین‌برانگیز نیچه به حضور زنان در مقاطع بالای تحصیلی دانشگاه بازل آغاز می‌کند. از نظر نویسنده، تنفر نیچه از زنان پس از ناکامی او در ارتباط با لو سالومه (Lou Salome) پدید آمده است. او این ناکامی را ناشی از تضعیف رابطه آن‌ها توسط خواهر نیچه، الیزابت، و مداخلات او در این ماجرا می‌داند. از نظر یانگ، باوجود دیدگاه‌های زن‌ستیزانه‌ای که بعد از این حادثه ظاهر شده است، برخی فمینیست‌ها دیدگاه‌های خود را برگرفته از اندیشه نیچه می‌دانسته‌اند و تعداد زیادی از آن‌ها نیز با نیچه در زمان خودش ارتباط دوستانه داشته‌اند (Young 2013: 89).

مقاله سوم «بیماری‌های نیچه» (Nietzsche's Illness) نوشته چارلی هونمان (Charlie Huenemann) با استدلال قوی در این مسئله آغاز می‌شود که بیماری نیچه که باعث فروپاشی ذهنی او شد تومور مغزی بوده است که پشت چشم راستش قرار داشته است. او این تشخیص را جای‌گزین دیدگاه قدیمی می‌کند که نیچه را مبتلا به سیفلیس می‌دانسته است. او همچنین در این مقاله به دیدگاه‌های نیچه درباره سلامت و جنون می‌پردازد و اشکال مختلفی از جنون را تقسیم‌بندی می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه هریک از آن‌ها با موضوعات مهمی در آثار نیچه مرتبط‌اند (Huenemann 2013: 100).

### ۴. پیوندهای تاریخی

این محور با پنج مقاله به رابطه نیچه با شخصیت‌ها و چهره‌های تاریخی اختصاص داده شده است که مقاله جسیکا بری (Jessica Berry) با نام «نیچه و یونانیان»

(Nietzsche and the Greeks) از آن جمله است. این مقاله از راه‌های متعددی تأثر یا عدم تأثر دیدگاه فلسفی نیچه از دانش عمیق او درباره فلسفه و ادبیات کلاسیک را تبیین می‌کند. بری با بررسی نیچه فیلولوژیست به نسبت او با هومر، هراکلیتوس، و پیرهون می‌پردازد و از تفسیرهایی که اظهارات مثبت نیچه درباره هراکلیتوس را نشانی از پذیرش دیدگاه‌های متافیزیکی رادیکال او می‌دانند انتقاد می‌کند. او هم‌چنین به نظر مساعد نیچه به شک‌گرایی اشاره می‌کند که در پرتو نگاه او به پیرهون و شکاکیت سستی به‌عنوان «تمرینی برای موردسؤال قرارداد احکام متافیزیکی» قابل استنباط است (Berry 2013: 127).

«نیچه و رمانتیسم» (Nietzsche and Romanticism) اثر آدریان دل کارو (Adrian Del Caro) نیچه را در نسبت با هولدرلین، گوته، و واگنر بررسی می‌کند و معتقد است نیچه پیش از نقد این چهره‌ها آن‌ها را موردستایش و احترام قرار می‌داده است (Del Caro 2013: 164). مقاله تام بیلی (Tom Bailey) با نام «نیچه کانتی؟» (Nietzsche the Kantian?) چنین استدلال می‌کند که وابستگی نیچه به دیدگاه‌های کانتی عمیق‌تر از آن چیزی است که خود او و بسیاری از مفسران‌ش تصور می‌کنند. براساس آنچه بیلی خاطر نشان می‌سازد نقد نیچه به «شی فی نفسه» کانتی و «اخلاق هنجاری» (ethics normative) بر مبنای بدفهمی از کانت شکل گرفته است و ارتباطی با مواضع حقیقی کانت ندارد. از نظر او، در صورتی که ایرادهای نیچه با مسامحه بازسازی شوند و در کنار مواضع خود او درباره فاعل (agent) و دیگر موضوعات قرار گیرند، می‌تواند ذهن ما را به سمت دیدگاه‌های حقیقی کانت هدایت کنند (Bailey 2013: 199). دانش وسیع بیلی درباره اخلاق و متافیزیک کانت و نیز نوکانتی‌ها که نیچه هم بیش از کانت با آن‌ها آشنا بوده است باعث می‌شود که او بتواند مواضع نیچه را از ابعاد مختلفی چون مسائل اخلاقی، شناخت‌شناسی، و متافیزیکی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

مقاله ایوان زول (Ivan Soll) که عنوان آن مبین پیامش نیز است با نام «شوپنهاور به‌عنوان معلم بزرگ و قطب مقابل نیچه» (Schopenhauer as Nietzsche's "Great Teacher" and ) "Antipode" توضیح می‌دهد که با وجود اختلاف نیچه با شوپنهاور درباره ارزش زندگی، چگونه رویکرد او به مسائل فلسفی هم‌چنان نفوذ شوپنهاور را در او نشان می‌دهد. بخش زیادی از این مقاله به ارتباط میان اراده قدرت و اراده متافیزیکی شوپنهاوری می‌پردازد (Soll 2013: 267).

سیمون روبرتسون (Simon Robertson) و دیوید اُون (David Owen) تأثیر نیچه را در فلسفه تحلیلی با تمرکز بر اخلاق تحلیلی (analytic ethics) بررسی می‌کنند و به این منظور



دیدگاه‌های فیلسوفان اخلاقی را که صریحاً به نیچه منسوب می‌شوند ارزیابی می‌کنند. این مقاله تحت عنوان «تأثیر در فلسفه تحلیلی» (Influence on Analytic Philosophy) بحث را با فیلیپا فوت (Philippa Foot) آغاز می‌کند که به مسئله نقد ارزش‌ها در اندیشه نیچه بسیار علاقه‌مند بوده است و سپس به چارلز تیلور (Charles Taylor)، السدیر مک‌ایتایر (Alasdair MacIntyre)، و برنارد ویلیامز (Bernard Williams) می‌پردازد که مجذوب ارزیابی تبارشناسانه نیچه از چشم‌اندازهای اخلاقی بودند. از نظر نویسندگان این مقاله، میان رویکرد تاریخی این فیلسوفان به اخلاق و رویکرد نیچه تفاوت عمده‌ای وجود دارد. نقد ارزش‌های اخلاقی نیچه و مقایسه آن با نقدهای منتقدان اخلاقی دوران اخیر بخش دیگری از این مقاله است (Robertson and Owen 2013: 275).

## ۵. آثار بنیادی

در بخش سوم این کتاب، با نام «آثار بنیادی نیچه» (Principal Works) هشت مقاله وجود دارد که هر یک به آثار اصلی نیچه می‌پردازد. دنیل کیم (Daniel Came) دیدگاه‌های نیچه در اولین اثر او یعنی *زایش تراژدی* را بررسی می‌کند و معتقد است در این کتاب میان توهم و تأیید زندگی ارتباط وجود داشته و توهم برای تحمل‌پذیری زندگی ضروری دانسته شده است. او با این موضع‌گیری درمقابل کسانی چون برنارد رگینستر (Bernard Reginster)، سیمون می (Simon May)، و دیگرانی قرار می‌گیرد که این ایده را به آثار اخیر نیچه مربوط می‌دانند. او هم‌چنین براساس کتاب *زایش تراژدی* به ارتباط میان توهم و «عشق به سرنوشت» (amor fati) می‌پردازد. کیم در این مقاله با ذکر دلایلی و به‌شکلی متفاوت در مسئله ارزش‌ها ضدواقع‌گرایی (anti-realism) را به نیچه نسبت می‌دهد (Came 2013: 308). کیت آنسل پیرسون (Keith Ansell-Pearson) مقاله خود<sup>۳</sup> را به بررسی کتاب *تأملات*<sup>۴</sup> نیچه اختصاص می‌دهد. این کتاب معمولاً به *تأملات نابه‌هنگام* (Untimely Meditation) ترجمه می‌شود، اما پیرسون با ذکر دلایل و شواهدی از نوشته‌های خود نیچه نام *تأملات نامرسوم* (Unfashionable Observations) را مناسب می‌داند. پیرسون معتقد است که در نوشته‌های مجزای این کتاب موضوع وحدت‌بخشی وجود دارد که موردغفلت قرار گرفته است و آن پی‌جویی والایی است. او ضمن اثبات وجود این محور واحد به بسط مفهوم والایی از دیدگاه نیچه و نیز نحوه ظهور آن در دیگر آثار او می‌پردازد (Pearson 2013: 332).

کریس جانوی (Chris Janaway) یکی از مهم‌ترین آثار نیچه یعنی *دانش شادان* (*The Gay Science*) را در مقاله‌ای به همین نام ارزیابی می‌کند و به شاخص‌ترین موضوعات این کتاب شامل مرگ خدا، مشکل ترخم، بازگشت ابدی (eternal recurrence)، این‌که آیا نیچه می‌خواهد ما با حقیقت رودررو شویم یا آن را با توهم پوشانیم، و رابطه میان هنر و حقیقت می‌پردازد. او در این مقاله بر تلاش نیچه در جهت سازگار کردن هنر و حقیقت تأکید می‌کند و دیدگاه کسانی را که با تابع قراردادن یکی از آن دو نسبت به دیگری قصد رفع موضوع را دارند مردود می‌شمارد (Janaway 2013: 368).

تونار (Gudrun von Tevenar) چنین گفت زرتشت را محور کار خود قرار داده است که نیچه آن را بزرگ‌ترین دستاورد خود اعلام می‌کند. مفسران فلسفی نیچه اغلب در این مورد با او اختلاف نظر دارند و معتقدند این اثر فاقد ویژگی‌های آثار فلسفی اصیل است. تونار در این مقاله قصد دارد بار دیگر این اثر را برای مقاصد فلسفی مطرح کند و مورد توجه قرار دهد. او سه شیوه‌ای را که نیچه این کتاب را توصیف کرده است در نظر می‌گیرد: به‌عنوان تراژدی؛ دیدگاه مقابل؛ و نیز به‌عنوان تقلید. تراژدی از نظر او اشاره به «چیرگی» (overcoming) اصیل زرتشت دارد. این چیرگی به‌نحو خاص چیرگی بر ترحم و تنفر مربوط به بشریت در حالت حقارت و خردی آن است.

تلقی تونار از توصیف کتاب چنین گفت زرتشت به «دیدگاه -مقابل» تفاوت میان دو نوع عشق است: عشقی که زرتشت آن را تکریم می‌کند، درمقابل عشق مسیحی. از نظر او، این تفاوت هم‌چنین بیان‌گر وجه تقلیدی چنین گفت زرتشت است و نشان می‌دهد که زرتشت چگونه می‌خواهد به‌عنوان مقلد مسیح عمل کند. البته او تصریح می‌کند که باوجود وجود عناصر تقلیدی، چنین گفت زرتشت از نظر مقصود اصلی هرگز تقلیدی نیست. بررسی تضاد میان تنفر زرتشت از بشریت و عشق او به آن نیز بخش دیگری از این مقاله است (Tevenar 2013: 396).

کلارک (Maudemarie Clark) و دودریک (David Dudrick) به تفسیر کتاب *فراسوی نیک و بد*<sup>۵</sup> در مقاله‌ای به همین نام پرداخته‌اند و بر این باورند که این کتاب مهم‌ترین اثر فلسفی نیچه است. آنان درعین حال به مشکلاتی اشاره می‌کنند که در شکل و محتوای این کتاب در جهت یافتن مفاد فلسفی بیش‌تر وجود دارد؛ از جمله این‌که نیچه این کتاب را با قابلیت دو نوع خوانش ارائه کرده است: خوانش عمومی (exoteric reading) و خوانش رمزی (esoteric reading). در اولی او نوعی طبیعت‌گرایی سطحی و غیردقیق را به‌نمایش می‌گذارد و در دومی آرمان‌های اصولی و قاعده‌مند پشت روشی علمی پنهان شده‌اند.

آن‌ها با مقدمه مشهور این کتاب و مقایسه میان حقیقت و زن آغاز می‌کنند و چنین استنباط می‌کنند که نیچه در این مقدمه در پی آن است که هم‌چون کانت به شکست متافیزیک جزمی اشاره کند و برای تحقق وعده اصلی فلسفه راهی بیابد. نکته‌ای که کلارک و دودریک بر آن تأکید دارند تنش بزرگ در روح بین اراده به حقیقت و اراده به ارزش‌گذاری است. آن‌ها این نکته را در مطالعه دقیق فصل‌های سوم و چهارم کتاب *فراسو می‌یابند و سپس*، در معنای عمومی این فصل‌ها سرخ‌های هدایت‌گری به سوی معنای رمزی و اصلی آن پیدا می‌کنند، معنایی که در ارجاع نیچه به نسبی‌گرایی پروتاگوراس آشکار می‌شود و آنان تحت عنوان «زبان جدید» نیچه از آن نام می‌برند. این نوع نسبی‌گرایی «کاذب‌بودن» را در زبان جدید نیچه به «عدم مطابقت با معیاری فراتر از انسان» معنا می‌کند و کذب دیگر به معنای رد حکم نیست. انکار معیارهای فرانسائی به این معناست که نیچه در این بخش‌های کتاب حقیقت را نقد نمی‌کند، بلکه بیش‌تر منکر آن است که در مسئله شناخت نیازمند و یا قادر به تأیید بیرونی باشیم. مطالعه این کتاب بر مبنای این موضوع و یافتن معنای رمزی بیش‌تر هم‌چنین دال بر اهمیت و عمق فلسفی این اثر است (Gemes and Richardson 2013: 22-23).

*تبارشناسی اخلاق* کتابی است که به دلیل ساختار آن همواره مورد توجه محافل علمی و آکادمیک بوده است. این کتاب که عنوان «تبارشناسی» در آن کم‌تر دیده می‌شود یکی از موارد استثنا بر قضاار نویسی نیچه است. ریچارد شاخت (Richard Schacht) در مقاله «تبارشناسی نیچه» (Nietzsche's Genealogy) بحث را با ترجمه عنوان این کتاب آغاز می‌کند و هر واژه را به صورت مستقل تبیین می‌کند. او هم‌چنین تصریح می‌کند که برخلاف تصور رایج، تبارشناسی روشی برای کار نیچه نیست، بلکه این عنوان حاکی از هدف این کتاب یعنی جست‌وجوی منشأ یا تاریخچه ارزش‌ها و سنت‌های بشری و ادامه کاری است که نیچه در آثار پیشین خود دنبال کرده بود. شاخت نشان می‌دهد که نیچه بسیاری از ایده‌ها و حتی تمایز مشهور میان اخلاق بردگان و سروران را در آثار قبلی به کار برده است. از نظر شاخت مقدمه کتاب هدف جامع آن را بررسی منشأ اخلاق‌های رایج به عنوان مقدمه‌ای برای کاری بزرگ‌تر، یعنی ارزش‌گذاری دوباره همه ارزش‌های اخلاقی، نشان می‌دهد. او در ادامه به نکات کلیدی هر مقاله کتاب می‌پردازد (ibid.: 23-24).

جگارد (Dylan Jaggard) در مقاله «دجال نیچه» (Nietzsche's *Antichrist*) از کتاب *دجال* به عنوان مکمل *تبارشناسی اخلاق* یاد می‌کند و معتقد است که این کتاب به دنبال فراهم آوردن بنیادهای تاریخی برای روایت‌های روان‌شناسانه تبارشناسی اخلاق است،

شواهدی که جای خالی آن‌ها در کتاب *تبارشناسی* به شدت حس می‌شود. بنابر نظر او، نیچه در کتاب *دجال* می‌خواهد حقیقت مسیحیت را کشف کند و دریابد که چگونه این دین به نفی زندگی و انکار ارزش آن می‌پردازد. جگارد در این مقاله به بررسی روایت نیچه از خاستگاه یهودی مسیحیت می‌پردازد و بحث‌های مفیدی درباره یکی از پژوهش‌گران/انجیل، جولوس ولهاوزن (Julius Wellhausen)، ارائه می‌کند که به نظر می‌رسد منبع نیچه در بحث تاریخ یهودیت بوده و ادعاهای او در این زمینه متکی بر اوست. او هم‌چنین نشان می‌دهد که دیدگاه‌های نیچه در تبیین ریشه‌های مسیحیت براساس شخصیت تاریخی مسیح تنظیم نشده است، بلکه بیش‌تر بر تحریف‌های شاگردان او و مسیحیان اولیه از شخصیت وی متکی است که به دنبال ایجاد چهره‌ای شبه‌بودایی برای او بودند. او در پایان به پیام‌هایی می‌پردازد که از نظر نیچه این حوادث تاریخی برای امروز ما دارند (Jaggard 2013: 496).

آخرین مقاله‌ای که به بررسی اثری واحد از نیچه می‌پردازد مقاله کریس دیویس آکامپورا (Christa Davis Acampora) درباره خودزیست‌نامه نیچه، *این است انسان* (Ecce Homo)، است. این کتاب که جزء آخرین آثار حیات فعال نیچه است شامل مطالب متنوعی است که تنظیم مقاله‌ای واحد را دشوار می‌سازد؛ اما آکامپورا تمرکز خود را بر موضوعات بنیادی چون فاعل (agency)، سرنوشت، و آزادی قرار می‌دهد. او با زیرعنوان کتاب «چگونه فرد همان می‌شود که هست» آغاز می‌کند و معتقد است که شرح نیچه از زندگی خودش می‌تواند تبیین‌گر این عبارت مشهور او باشد و مسیر توسعه فردی را روشن کند. او سپس به بررسی این موضوع می‌پردازد که مقصود نیچه از تبدیل شدن انسان به آنچه هست تغییر ترتیب یا نابودکردن نیروهای متضاد است یا یکی کردن آن‌ها. از نظر او، هرچند نیچه دائماً از نابودی سخن می‌گوید، هدف اصلی او یکی کردن نیروهاست (Acampora 2013: 522).

## ۶. ارزش‌ها

هفت مقاله بعدی با بحث ارزش‌ها در نیچه سروکار دارند، هرچند سخن‌گفتن از قواعد هنجاری در فلسفه نیچه کاری دشوار است و انکار عینیت ارزش‌ها و تأکید نیچه بر چشم‌اندازگرایی (perspectivism) ما را به مباحث فرااخلاقی (metaethical) درباره منشائی سوق می‌دهد که نیچه ارزش‌ها را براساس آن ارائه می‌دهد. ندیم حسین (Nadeem Hussain) اولین نفر در میان پژوهش‌گران نیچه است که با به‌کارگرفتن مقولات مدرن در حوزه فرااخلاق به ما کمک می‌کند که دیدگاه نیچه درباره ماهیت ارزش‌ها را

بفهمیم. او در مقاله «موضع فرااخلاقی نیچه» (Nietzsche's Metaethical Stance) ابتدا مختصری از نظریه‌های عمده در حوزه فرااخلاق را بیان می‌کند و آن‌ها را در دو دسته اصلی نظریه‌های شناختی (cognitivist theories) و نظریه‌های غیرشناختی (noncognitivist theories) دسته‌بندی می‌کند. سپس، با استفاده از دانش دقیق و عمیق خود در این حوزه شواهد متنی تئوری خطا (error theory)، باور به جعل مطلق (revolutionary fictionalism)، ذهن‌گرایی (subjectivism)، و دیدگاه غیرشناختی را در آثار نیچه مدنظر قرار می‌دهد و این امکان را نیز مطرح می‌کند که نیچه هیچ موضع فرااخلاقی‌ای اتخاذ نکرده باشد. او در حالی که در آثار دیگرش به نفع جعل مطلق استدلال کرده است، در این مقاله موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کرده و تنها به ذکر نکات دقیقی درباره مشکلات تفسیرهای غیرشناختی از دیدگاه نیچه اشاره می‌کند (Hussain 2013: 556).

آرون ریدلی (Aaron Ridley) در مقاله «نیچه و هنر زندگی» (Nietzsche and the Arts of Life) در ابتدا به اهمیت پدیدار زیباشناسانه نزد نیچه می‌پردازد و استدلال می‌کند که این امر در تمامی آثار نیچه، اعم از آثار اولیه و آخرین اثر، مشهود است. او در ادامه به معنای هنر نزد نیچه اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که هنر به خلق آثار هنری محدود نیست و فرم‌دادن به همه ابعاد حیات انسانی را شامل می‌شود. عمل زیباشناسانه فرم‌دادن بخشی از خود—ایجاد (self-creation) نیز است (Ridley 2013: 595).

یکی از بهترین مقالات این کتاب «خودبنیادی در نیچه» (Nietzsche on Autonomy) نوشته لانیئر آندرسون (Lanier Anderson) است که بسیار سازمان‌یافته و روشن نوشته شده و در مورد مباحث آن به خوبی استدلال شده است. او ابتدا دیدگاه نیچه درباره اراده آزاد را با ارزیابی تفسیر به شدت جبرگرایانه برایان لیتر (Brian Leiter) و تفسیر معتقدان به هم‌سازی<sup>۶</sup> چون کلارک و دودریک مورد بحث قرار می‌دهد. او سپس معانی فاعل خودبنیاد را بررسی می‌کند و تفسیرهای متعدد از خودبنیادی در فلسفه نیچه را تبیین می‌کند. از دیدگاه او، به طور کلی شش معنا برای خودبنیادی گفته شده و برای نیچه خودبنیادی دستاوردی نادر است که در معدود زندگی‌های عالی یافت می‌شود. این توصیف به نفع تفسیرهای خودبنیادی به عنوان ایدئال اخلاقی است (Gemes and Richardson 2013: 26-27).

رندال هَوَس (Randall Havas) در مقاله «ابرانسان» (The Overman) به تفسیر مفهوم ابرانسان در فلسفه نیچه می‌پردازد و استدلال می‌کند که این مفهوم کاملاً با مفهوم فاعل و اراده آزاد مرتبط است. ابرانسان از نظر هوس کسی است که بر نفرت و مقاومت خود

درمقابل ویژگی زمانی فاعل و اعمال او غلبه کرده و مسئولیت انتخاب‌های خود را پذیرفته است (ibid.: 27).

مقاله رابرت گواي (Robert Guay) با نام «نظام رتبه‌بندی» (Order of Rank) به اهمیت تصور نیچه از «نظام رتبه‌بندی» برای فهم ساختار کلی فلسفه او اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که مقصود نیچه از این نظام دفاع از سلسله‌مراتب درمقابل دیدگاه نابخردانه مدرن مبنی بر تساوی‌طلبی (egalitarianism) است. براساس این خوانش، نظام رتبه‌بندی به‌اندازه اراده قدرت و ارزش‌گذاری دوباره ارزش‌ها جزئی اساسی از طرح نوی نیچه به‌شمار می‌رود. گواي پنج تفسیر از نظام رتبه‌بندی ارائه می‌کند که عبارت‌اند از تفسیر اشراف‌سالاری (aristocracy)، تفسیر اسطوره دوران طلایی (mythic archaism)، تفسیر سیاسی، انسان‌شناسانه (anthropological)، و تفسیر تعالی‌گرایانه (transcendental). او سپس استدلال می‌کند که معنای تعالی‌گرایانه برای نیچه معنای اصلی بوده است و تنها این تفسیر می‌تواند ادعاهای نیچه درخصوص دشواری، ساختگی بودن، فرایندی بودن، و اهمیت نظام رتبه‌بندی برای انسان بیش از هر موجودی با انواع مختلف ثابت و با ماهیت اجتماعی را تبیین کند. براساس تفسیر تعالی‌گرایانه، نظام رتبه‌بندی پیش‌نهاد نوعی از ارزش‌های سلسله‌مراتبی برای انسان‌ها نیست، بلکه شرطی برای تعیین هنجارهاست (Guay 2013: 696).

مارک میگوتی (Mark Migotti) در مقاله خود<sup>۷</sup> قصد دارد به این مسئله پردازد که ما از بحث فرمان‌فرمای پیمان‌گذار (sovereign promising) در مقاله دوم کتاب *تبارشناسی اخلاق* می‌توانیم چه چیزهایی درباره پیمان‌نهادن و نیز درباره نقد اخلاق بیاموزیم. او بحث را از این‌جا آغاز می‌کند که مسئله فلسفی نیچه و مقصود او از پیمان‌نهادن معنای محدود آن یعنی تعهد به انجام چیزی برای کسی نیست، بلکه به‌معنای گسترده متعهدشدن و التزام‌دادن فرد است. میگوتی رویکرد نیچه به وفای به عهد را با مسئله سنتی الزام اخلاقی فاعل مقایسه کرده و استدلال می‌کند که در موضوع چیستی و چگونگی ملزم‌کردن فرد به اعمالی خاص رویکرد نیچه از نظر فلسفی عمیق‌تر از رویکرد الزام اخلاقی است. در بخش نتیجه‌گیری او به بحث‌های تفسیری درمورد نقش فرد فرمان‌فرما در اندیشه نیچه رجوع می‌کند و نشان می‌دهد که خوانش جدید از *تبارشناسی اخلاق* که براساس آن نیچه حقیقتاً در پی فرد فرمان‌فرما و فرمان‌فرمای پیمان‌گذار نیست سوءبرداشت است (Migotti 2013: 729).

مقاله ژاکوب گلمب<sup>۸</sup> (Jacob Golomb) به بحث درباره دیدگاه نیچه درباره ملت‌ها و نژادها می‌پردازد و استدلال می‌کند که بررسی فلسفه انسان‌شناسی (anthropological philosophy) نیچه و یکی از اصول بنیادی آن یعنی اراده قدرت می‌تواند به تفسیری متعادل از رویکرد

نیچه به نژادها، ملیت‌گرایی، و سیاست منجر شود. تأکید نیچه بر والایی بیش از سلطه، به‌عنوان پرکاربردترین معنای اراده قدرت، خود دلیلی علیه غضب اندیشه او توسط نازیسم و فاشیسم است. طبق دیدگاه او برای نیچه برترین کاربرد اراده قدرت در غلبه بر خود (self-overcoming) است تا مقهور کردن دیگران و آنچه بیش از همه می‌ستاید قدرت روحی است و نه نیروی خشن سیاسی یا اعمال خشونت‌آمیز که همواره در گفته‌هایش تقبیح و سرزنش می‌شوند. بر همین اساس، ابرانسان نیچه نیز فردی است که توانایی تبدیل رانه‌های طبیعتاً متضاد خود را به کلی یک‌پارچه و منسجم دارد و به‌جای آن‌که بکوشد بر انسان‌ها غلبه پیدا کند، که بیش‌تر تفسیرهای سطحی حاکی از آن‌اند، می‌کوشد بر طبیعت «انسانی»، زیاده انسانی» خود غلبه کند (Gemes and Richardson 2013: 28).

## ۷. شناخت‌شناسی و متافیزیک

شاخه‌های فلسفه چون شناخت‌شناسی و متافیزیک همواره موردانتقاد نیچه قرار گرفته‌اند و دیدگاه‌های خود او به‌راحتی در قالب آن‌ها قرار نمی‌گیرند. باوجوداین، او در حیطه موضوعات کهنی چون حقیقت و شناخت و وجود و زمان مطالبی دارد که سؤالات متعددی را ایجاد کرده است. در این سری از مقالات کن‌گمس با مقاله «چشم‌اندازهای زندگی» (Life's Perspectives) به این موضوع می‌پردازد که دیدگاه چشم‌اندازگرایی نیچه باید به‌عنوان ادعایی «روانی - بیولوژیکی» (psycho-biological) خوانده شود، نه ادعایی مربوط به شناخت‌شناسی یا معنی‌شناسی (ibid.: 29-30). برایان لیتل در مقاله «تجدیدنظر در طبیعت‌گرایی نیچه» (Nietzsche's Naturalism Reconsidered) به بازبینی شرح مشهور خود از نیچه به‌عنوان طبیعت‌گرا در هر دو معنای آن می‌پردازد: یکی به‌عنوان «طبیعت‌گرای روش‌شناسانه» (methodological naturalist) که معتقد است پژوهش‌های فلسفی باید نظریه‌های علمی را الگوی خود قرار دهند و دیگری «طبیعت‌گرای حقیقی» (substantive naturalist) که برای انسان منشأ دیگری جدای از بقیه طبیعت قائل نیست. او معتقد است نیچه در طبیعت‌گرایی از دیدگاه‌های طبیعت‌گرایان آلمانی اواسط قرن نوزدهم به‌ویژه آثار لانگه (Lange) متأثر بوده است. تلاش نیچه در جهت شرح طبیعت‌گرایانه اخلاق از نظر لیتل از روحیه درمان‌گرانه او برمی‌خیزد که به‌دنبال تشویق خوانندگانش به فرار از اخلاق است. بنابراین، می‌توان میان مواضع ناشی از طبیعت‌گرایی و استراتژی‌های درمانی او به‌عنوان معالجه‌گر تفاوت گذاشت. لیتل سپس به شبهه‌ها و تردیدهایی می‌پردازد که در زمینه

طبیعت‌گرایی نیچه مطرح شده است و نتیجه می‌گیرد که این طبیعت‌گرایی ابعاد روان‌شناسانه دارد و دیدگاهی متافیزیکی نیست. او مقاله خود را با برشمردن دیدگاه‌های روان‌شناسانه نیچه که مورد تأیید یافته‌های علمی قرار گرفته‌اند به پایان می‌برد (Leiter 2013: 826).

مقاله دیگر بخش شناخت‌شناسی و متافیزیک «زیبایی‌شناسی فلسفی نیچه» (Nietzsche's Philosophical Aestheticism) اثر سباستین گاردنر (Sebastian Gardner) است. او معتقد است که زیبایی‌شناسی فلسفی موضعی است که از اولین اثر نیچه، *زایش تراژدی*، تا آخرین اثر او تداوم داشته و حتی در آثار اثبات‌گرایانه‌ای چون *انسانی، زیاده انسانی* و *سپیده‌دم* (که در آن نگاه نیچه به هنر بیش‌تر انتقادی بوده است) نیز رها نشده است. از نظر او، نیچه در *زایش تراژدی* با معرفی جهان دیونیزوسی، نه به‌عنوان جهانی واقعی، بلکه به‌عنوان فرض ضروری برای برآوردن نیازهای عملی ما، حقیقت متافیزیکی برای هنر را مردود می‌شمارد. او هم‌چنین وقتی هنر را در آثار اثبات‌گرایانه خود نقد می‌کند بر شکل مدرن و رمانتیک هنر تمرکز دارد و به این مسئله نمی‌پردازد که آیا هنر در میان یونانیان نقش مطلوب دیگری داشته است و یا در آینده می‌تواند داشته باشد. در آثار بعدی، محور نظریه زیباشناسی نیچه تصور حالتی زیباشناختی (aesthetic state) است که گاردنر از آن تحت عنوان «چرخه طرح‌افکنی و درون‌افکنی» (cycle of projection and introjection) نام می‌برد، بدین معنی که ما به اشیاء ویژگی‌هایی را اعطا می‌کنیم که این ویژگی‌ها در فرم بالاتری بعداً به ما برمی‌گردند. این کار تحمیل نمودی آپولونی بر بنیادی دیونیزوسی است که احساس انسان را به زندگی بهبود می‌بخشد. از طریق این حالت زیباشناختی میان عقل نظری که متعهد به حقیقت است و عقل عملی که تعهد به زندگی دارد واسطه‌ای قرار می‌گیرد که کشمکش میان آن‌ها را به‌نحوی که به تسلیم یکی در مقابل دیگری منجر نشود حفظ می‌کند (Gardner 2013: 859).

رابین سمال (Robin Small) در مقاله «وجود، شدن، و زمان در نیچه» (Being, Becoming, and Time in Nietzsche) به این مسئله می‌پردازد که نیچه چگونه شدن و نیز وجود را در مقابل شناخت و زندگی می‌بیند. او به برخورد نیچه با این موضوع می‌پردازد که ابتدا از جنبه تاریخی و از طریق نقل داستان درباره نحوه شکل‌گیری مفهوم وجود صورت گرفته است. از نظر او، نیچه سپس مسئله را به مراحل که در فصل مشهور «تاریخچه یک خطا» در کتاب *غروب بت‌ها* آمده است تقلیل داده و در ادامه با جای‌گزینی بودن با شدن آن را به اوج خود رسانده است. سمال معتقد است که برای درک مقصود نیچه از شدن باید رابطه شگفت‌آور آن را با زمان در نظر بگیریم، از آن‌رو که معنای اصیل شدن تنها از طریق دورکردن تجربه زمان به‌عنوان توالی امکان‌پذیر است (Small 2013: 904).



پل لوب (Paul Loeb) در مقاله «بازگشت ابدی» در مقابل جمع زیادی از مفسران اخیر ایده بازگشت ابدی موضع می‌گیرد و معتقد است نیچه این اندیشه را نه به‌عنوان نوعی مبارزه‌طلبی و یا آزمایش فکری، بلکه به‌عنوان حقیقتی جهان‌شناسانه ارائه کرده است و تنها این تفسیر است که می‌تواند تأکید بیش از حد نیچه بر این آموزه را توجیه کند. از نظر او، عدم موفقیت در درک معنای این ایده ناشی از سؤال پیش‌فرضی است که آشکارا غلط و پوچ است. او همچنین تمایل مفسران به نادیده‌گرفتن چنین گفت زرتشت، که این ایده به‌طور عمده در آن جا مطرح شده است، و قراردادن تمرکز روی بند ۳۴۱ حکمت *شادان* را نکوهش می‌کند. از نظر او، مفسران حتی این بخش را نیز به‌صورت اشتباه می‌خوانند و به پیش‌زمینه‌های متنی آن در بند ۳۴۰، یعنی معرفی دیوی که این ایده را اعلان می‌کند به‌عنوان دیو سقراطی و زمان آن به‌عنوان زمان مرگ سقراط، توجه نداشته‌اند. در بند ۳۴۲ زرتشت به‌عنوان فردی معرفی می‌شود که واکنش او در مواجهه با بازگشت ابدی در مسئله مرگ به‌جای یأس سقراطی شادی است. در رجوع به کتاب چنین گفت زرتشت لوب بر فصل «دیدار و معما» (Vision and Riddle) تأکید می‌کند که از نظر او بازگشت جاودانه را مؤید «شهادت مستقیم حافظه» (direct mnemonic evidence) می‌داند، بدین معنا که حافظه برخی لحظات خاص را قبلاً زندگی کرده است. در پایان لوب به تفسیر رایج بازگشت جاودانه به‌عنوان آزمایشی فکری می‌پردازد و معتقد است که توجیهی برای ضرورت این آزمایش وجود ندارد. این‌که چرا تأیید زندگی غیر تکراری فرد باید با اشتیاق به بازگشت جاودانه‌اش صورت گیرد؟ در خود این کار نیز از آن‌جاکه فرد می‌خواهد زندگی‌اش غیر از آن‌چه است باشد، نوعی انکار زندگی وجود دارد. بنابراین، این تفسیر حتی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نقش عملی‌ای باشد که نیچه از آن انتظار دارد (Gemes and Richardson 2013: 31-32).

## ۸. اراده قدرت

هرچند نیچه به هر نوع متافیزیک به‌شدت حمله می‌کند، از دیدگاه برخی مفسران درپس حمله‌های او نوع جدیدی از وجودشناسی، که به‌ویژه در ایده اراده قدرت او مشهود است، بسط یافته و مورد دفاع قرار گرفته است. او چنین اراده‌ای را به‌نحو عام به زندگی نسبت می‌دهد، ولی عموماً از این مفهوم برای توضیح تجربه و رفتار انسان استفاده می‌کند و به‌ویژه در «روان‌شناسی رانه» (drive psychology) او نقش اساسی دارد. از چالش‌های بزرگ این بخش تبیین مقصود نیچه از اراده قدرت، جایگاه اراده قدرت نزد او، و سازگار کردن مواضع خاص او در این حوزه با انتقاداتش از متافیزیک است.

به همین منظور، مقاله پیترو پلنر (Peter Poellner) تحت عنوان «انگاره‌های متافیزیکی نیچه: علیت و اراده قدرت» (Nietzsche's Metaphysical Sketches: Causality and Will to Power) به تأملات متافیزیکی گسترده در آثار مؤخر نیچه می‌پردازد که عمده آن‌ها روی یادداشت‌های او متمرکز شده است. این مقاله براساس یادداشت‌های نیچه به پردازش استدلال‌هایی مبادرت می‌کند که نیچه را به نوعی متافیزیک سوق می‌دهند. از نظر او، در اندیشه نهایی نیچه تضادی آشکار وجود دارد و او در دوره متأخر خود شواهدی از لاقیدی متافیزیکی (metaphysical indifferentism) و روحی‌نگری (Panpsychis metaphysics)، هر دو، را نشان می‌دهد (Poellner 2013: 964).

مقاله «روانشناسی اخلاق مسیحی: اراده قدرت به‌عنوان اراده به نیستی» (The Psychology of Christian Morality: Will to Power as Will to Nothingness) از برنارد رجینستر در این مورد بحث می‌کند که اراده قدرت میل به عملکرد مؤثر است. برخلاف ادعای ریچاردسون که می‌گوید اراده قدرت پدیداری ثانویه است که رانه اولیه را همراهی می‌کند، دیدگاه رجینستر برحسب روان‌شناسی رانه‌ها این است که اراده قدرت رانه مستقل خود - ایستا (self-standing) است. او نشان می‌دهد که این تفسیر هم‌چنین می‌تواند روان‌شناسی نیچه درباره شورش بردگان در اخلاق را تبیین کند (Reginster 2013: 999).

مقاله «روانشناسی فلسفی نیچه» (Nietzsche's Philosophical Psychology)، اثر پل کاتزافناس (Paul Katsafanas)، به یکی از بنیادی‌ترین و بحث‌انگیزترین مفاهیم در تحلیل‌های روان‌شناختی نیچه از اعمال انسانی و اخلاق یعنی مفهوم رانه می‌پردازد. نیچه درباره رانه‌ها معمولاً با اصطلاحاتی سخن می‌گوید که به فاعل خودشکوفای نسبت داده می‌شوند؛ بنابراین، از رانه‌هایی که ارزش‌گذاری و تفسیر می‌کنند و نیز رانه‌هایی که دارای چشم‌اندازند سخن می‌گوید. از نظر کاتزافناس، این امر می‌تواند به این معضل منجر شود که از یک طرف رانه‌ها امیال صرف‌اند که در این صورت پذیرش توصیف فاعلی آن‌ها به‌عنوان تفسیرکننده، ارزش‌گذار، و دارای چشم‌انداز دشوار است؛ از طرف دیگر، رانه‌ها می‌توانند به‌عنوان موجوداتی فاعل - مانند دیده شوند که در این صورت به نظر می‌رسد نتوانند پدیده فاعلیت یا خودبودن را توضیح دهند، زیرا پیشاپیش این مفاهیم را مفروض گرفته‌اند. کاتزافناس در جهت حل این معضل استدلال می‌کند که رانه‌ها در واقع امیال‌اند، اما امیالی که فاعل را به جهت‌گیری مؤثر سوق می‌دهند. رانه فی‌نفسه تفسیر یا ارزش‌گذاری را انجام نمی‌دهد و بنابراین فاعل فردی

نیست؛ باوجوداین، فاعل را به سمت ارزش‌گذاری‌ها و تفسیرهای خاصی هدایت می‌کند (Katsafanas 2013: 1038).

جان ریچاردسون در مقاله «دیدگاه نیچه درباره غایات زندگی» (Nietzsche on Life's Ends) به بررسی تصور نیچه از «زندگی» و به‌نحو خاص کاربرد آن در ارزش‌گذاری دوباره همه ارزش‌ها و تأیید ارزش‌های خاص خود او می‌پردازد. او معانی مختلفی را که زندگی می‌تواند داشته باشد، اعم از معنای بیولوژیکی، انسانی، پدیداری، فردی، و شعری، از هم تفکیک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه چهار معنای اول در تحلیل نیچه از انسان به‌عنوان مجموعه‌ای از رانه‌ها که در عمق سیر تاریخی تکامل بیولوژیکی و فرهنگی رسوب کرده‌اند با هم تلفیق شده‌اند. ریچاردسون هم‌چنین می‌کوشد به‌شکل مشابهی تصور نیچه از ارزش را تبیین کند. از نظر او، نیچه به «طبیعی‌سازی» (naturalization) ارزش‌ها پرداخته و تصور رایج از آن‌ها به‌عنوان اصولی برای دنباله‌روی را انکار کرده است (Gemes and Richardson 2013: 34-35).

## ۹. نتیجه‌گیری

ویراستاران *راه‌نمای آکسفورد نیچه* معتقدند که هیچ کتاب واحدی نمی‌تواند همه موضوعات مربوط به نیچه را پوشش دهد، اما این کتاب تا حد زیادی توانسته است به هدف جامعیت موضوعات و مطالب نزدیک شود. تعدد پژوهش‌گران این اثر نیز مانع تحمیل تفسیری خاص بر خواننده می‌شود و شیوه علمی آن می‌تواند تأثیر برداشت‌های مغرضانه و تک‌بعدی قبلی را تعدیل یا خنثی کند. فراگیری موضوعات هم‌چنین توانسته است دیدی جامع به اندیشه نیچه به‌عنوان کلی واحد و هماهنگ پدید آورد و اشکالات مطالعات از زوایای خاص و چشم‌اندازهای محدود نظیر غفلت از کل و یا برجسته‌کردن یک عنصر را برطرف کند.

این مجموعه به‌عنوان دستاورد علمی بزرگی در حوزه نیچه می‌تواند مورد استفاده علاقه‌مندان و پژوهش‌گران متخصص و مبتدی این حوزه قرار گیرد. بهره‌گیری از روش‌های استاندارد، جامعیت موضوعات، استناد صحیح، و دقت در نظریه‌پردازی‌ها آن را به منبعی مورد اعتماد و کاربردی برای پژوهش‌های تخصصی و در سطوح عالی مبدل می‌کند و تنوع موجود در این اثر به‌هم‌راه نثر روان و گویای آن می‌تواند مورد استفاده آغازگران این راه قرار گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه:

Maudemarie Clark, Nietzsche on Truth and Philosophy; Peter Poellner, Nietzsche and Metaphysics; John Richardson, Nietzsche's System; Brian Leiter, Nietzsche on Morality; Bernard Reginster, The Affirmation of Life: Nietzsche on Overcoming Nihilism; J. Richardson and B. Leiter (eds.), Nietzsche.

۲. تعداد صفحات در نسخه الکترونیکی ۱۱۲۴ صفحه است و تمامی ارجاعات این مقاله به نسخه الکترونیکی است.

3. "Holding on to the Sublime: On Nietzsche's Early 'Unfashionable' Project".

۴. نام اصلی کتاب در زبان آلمانی: *Unzeitgemässe Betrachtunge*.

۵. نیچه میان «خیر و شر» (Gut und Böse/ good and evil) به‌عنوان ارزش‌گذارهای اخلاقی و «نیک و بد» (Gut und Schlecht/ good and bad) به‌عنوان ارزش‌گذارهای پیش از پیدایش اخلاق و غیراخلاقی تفاوت می‌گذارد و معتقد است که این ارزش‌گذاری نیک و بد بوده است که در طول زمان به ارزش‌گذاری اخلاقی خیر و شر تبدیل شده است. از این رو، براساس تعبیر نیچه، کتاب فراسو بنابر حیث اخلاقی آن و مطابقت با واژه‌های اصلی در زبان آلمانی باید فراسوی خیر و شر نامیده شود که بنابر ترجمه رایج در زبان فارسی نیک و بد آمده است.

۶. compatibilism: دیدگاهی که اعتقاد به اراده آزاد و جبرگرایی را قابل جمع می‌داند و معتقد است پذیرش هر دو بدون گرفتارشدن در تناقض منطقی امکان‌پذیر است.

۷. نام مقاله:

"A Promise Made Is a Debt Unpaid: Nietzsche on the Morality of Commitment and the Commitments of Morality".

۸. نام مقاله:

"Will to Power: Does It Lead to the 'Coldest of All Cold Monsters?'".

## کتاب‌نامه

Acampora, Christa Davis (2013), "Beholding Nietzsche: Ecce Homo, Fate, and Freedom", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.

Bailey, T. (2013), "Nietzsche The Kantian?", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.

Berry, J. N. (2013), "Nietzsche and the Greeks", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.

- Came, Daniel (2013), "The Themes of Affirmation and Illusion in the Birth of Tragedy and Beyond", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Del Caro, Adrian (2013), "Nietzsche and Romanticism: Goethe, Hölderlin, and Wagner", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Gardner, Sebastian (2013), "Nietzsche's Philosophical Aestheticism", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Gemes, K. and J. Richardson (2013), *The Oxford Handbook of Nietzsche*, Oxford: Oxford University Press, (PDF version, DOI:10.1093/oxfordhb/9780199534647.001.0001).
- Guay, Robert (2013), "Order of Rank", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Huenemann, C. (2013), *Nietzsche's Illness*, in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Hussain, Nadeem J. Z. (2013), "Nietzsche's Metaethical Stance", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Jaggard, Dylan (2013), "Nietzsche's Antichrist", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Janaway, C. (2013), "The Gay Science", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Katsafanas, Paul (2013), "Nietzsche's Philosophical Psychology", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Leiter, Brian (2013). "Nietzsche's Naturalism Reconsidered", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Migotti, Mark (2013), "A Promise Made is a Debt Unpaid: Nietzsche on the Morality of Commitment and the Commitments of Morality", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Pearson, Keith Ansell (2013), "Holding on to the Sublime: On Nietzsche's Early 'Unfashionable' Project", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Poellner, Peter (2013), "Nietzsche's Metaphysical Sketches: Causality and Will to Power", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Reginster, Bernard (2013), "The Psychology of Christian Morality: Will to Power as Will to Nothingness", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Ridley, A. (2013), "Nietzsche and the Arts of Life", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Robertson, S. and D. Owen (2013), "Nietzsche Influence on Analytic Philosophy", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.

- Small, R. (2013), "Being, Becoming, and the Time in Nietzsche", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Soll, Ivan (2013), "Schopenhauer as Nietzsche's 'Great Teacher' and 'Antipode'", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Tevenar, Gudrun Von (2013), "Zarathustra: That Malicious Dionysian", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.
- Young, Julian (2013), "Nietzsche and Women", in: *The Oxford Handbook of Nietzsche*, K. Gemes and J. Richardson (eds.), Oxford: Oxford University Press.